



عصر
روزنامه اجتماعی اقتصادی
شماره ۱۴۴۵ • ۲۵ ذی الحجه ۱۴۴۵ • 2 July 2024
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره سیصد و هفتاد و شش
www.asrghanoon.ir

اتفاق سعید

سعید جلیلی: اتفاق بزرگ در ۱۵ تیرماه نزدیک است

مردم به مثابه توده، کمپین جایگزین کارنامه



○ صحنه رقابت‌های انتخاباتی در کشور ما غالباً معطوف به دو مساله مهم بوده است. معیشت و آزادی‌های مدنی. زیرا این دو موضوع در نقطه کانونی نظام مسائل مردم قرار داشته و دارند.

۲

چرا به مسعود پزشکیان رأی نمی‌دهم؟



○ مسعود پزشکیان، از عدالت و انصاف و برابری می‌گوید اما بازار آزادی‌ها در دولتش، وحشی‌ترین نسخه‌های سرمایه‌داری را برای اومی پیچند.

۲

احتمال آشتی کنان سوریه و ترکیه



○ طرف ترکیه‌ای از مسکو و بغداد خواسته است تا بدون حضور هیچ شخص ثالث و به دور از رسانه‌ها بر سر میز گفت‌وگو دوجانبه با طرف سوریه بنشینند و درباره احیای روابط بین دو کشور رایزنی کنند.

۴

اهتمام ویژه‌ای به معادن



○ حوزه معدن یک فرصت استثنایی و ویژه برای اقتصاد کشورمان است و از این رو رئیس‌جمهور و دولت آینده باید اهتمام ویژه‌ای به این مسیر داشته باشد.

۵

درباره کاهش مشارکت سیاسی



○ مشارکت سیاسی، گاهی اوج گرفته و گاهی دچار افول شده است و این جایابی‌ها را نباید برجسته کرد و از آن، بحران مشروعیت سیاسی را نتیجه گرفت.

۷

لیگ باید با VAR آغاز شود



○ امیدوارم از آنجایی که دستورات مربوطه از قبل صادر شده، روند اجرایی جهت پرداخت هم به سرعت طی شود.

۸

فاصله هشتم تا پانزده تیرماه فاصله‌ای کوتاه برای برداشتن گامی بلند و تاریخی است. شما نشان دادید در هجوم تردیدافکنی‌ها و یاس‌پراکنی‌ها، در میان انبوه آسیب‌شناسی‌ها و عیب‌جویی‌ها، ایرانی‌ها همچنان به افق‌های بلند می‌اندیشند و در خاطره ملی‌شان، «جهش» یک گزینه جذاب و برجسته است.



مردم به مثابه توده، کمپین جایگزین کارنامه

ابوالفضل اقبالی

■ درک بنیادین اصلاح‌طلبان از مردم چگونه است؟

امروز در یک گروه تلگرامی بحثی درباره برنامه دکتر پزشکیان برای مدیریت کشور شد و یکی از حامیان ایشان (که از اصلاح‌طلبان پروپاقرص است) جمله‌ای گفت که به نظر من بیان دوم خرداد و جریان اصلاحات بر چنین درکی از مردم استوار است. مضمون جمله این بود: توده‌های مردم برنامه سرشان نمی‌شود! این جمله باعث شد که من این یادداشت را بنویسم و درباره استراتژی جریان اصلاحات در رقابت‌های انتخاباتی سال‌های اخیر توضیح دهم.

صحنه رقابت‌های انتخاباتی در کشور ما غالباً معطوف به دو مساله مهم بوده است. معیشت و آزادی‌های مدنی. زیرا این دو موضوع در نقطه کانونی نظام مسائل مردم قرار داشته و دارند. رفتار انتخاباتی مردم در تمام ادوار تابعی از وعده‌های معیشتی یا اقل‌گشایی‌های مدنی کاندیداها بوده است. در برخی ادوار دغدغه‌های مدنی پررنگ‌تر شده و در دوره‌هایی مطالبات اقتصادی. تا قبل از دهه نود همواره نتیجه انتخابات را «طرح و برنامه جدید» رقم می‌زد و بسیج عمومی حول «گفتارهای ایجابی» شکل می‌گرفت. گفتار توسعه و سازندگی در دهه ۶۰، گفتار آزادی و توسعه سیاسی در دهه ۷۰ و گفتار عدالت در دهه ۸۰ همگی طرح جدیدی از مناسبات اقتصادی و سیاسی ایران پیش‌رو ارائه می‌کردند. اگرچه متضمن رویکردهای انتقادی به گذشته خود نیز بودند. اما رقابت‌های انتخاباتی از دهه نود وارد فاز جدیدی شد.

تجربه نسبتاً موفق دولت نهم در تحقق عدالت اجتماعی که منجر به جایجایی مرزهای خدمت‌رسانی به کشور شد و اقبال توده‌های مردم را به همراه داشت، شانس و امکان بازگشت جریان مقابل را به قدرت بسیار محدود کرده بود و باعث شکست قاطع آنها در انتخابات ۸۸ شد. این اتفاق جریان اصلاحات را به این نتیجه رساند که برای بازگشت به قدرت باید رویکرد سنگ‌اندازی و تخریب رقیب خود را در دستور کار خود قرار دهد. توضیح این رویکرد در صحنه سیاسی و اقتصادی آن ایام بماند برای مجالی دیگر.

اما از همین ایام بود که رقابت‌های انتخاباتی ماهیت متفاوتی با گذشته پیدا کرد و جریان شکست خورده اصلاحات به جای ارائه گفتار جدید و کارآمد از خود، به «هریمن‌سازی» از رقیب و ایجاد هراس اجتماعی نسبت به او روی آورد. در یک جمله می‌توان گفت اگر تا قبل از دهه ۹۰ تلاش رقبای معطوف به ایجاد «اقبال مردمی» نسبت به گفتار خود بود، پس از آن جریان اصلاحات راهبرد انتخاباتی خود را بر گسترش «نفرت عمومی» نسبت به رقیب متمرکز کرد.

رسانه ملی نیز در این میان با ایجاد سازوکار «مناظره‌های سرپایی» به این فضا ضریب بیشتری داده بود. در چنین فضایی این جریان دیگر نیاز به تدوین برنامه و طرح مدون درباره آینده اقتصادی و سیاسی کشور احساس نمی‌کرد و صرفاً بر ایجاد «کمپین» متمرکز شد. لذا از همین دوران است که کم‌کم کارشناسان رسانه‌ای و فعالان تئوریتی جای کارشناسان اقتصادی را در ستادهای انتخاباتی اصلاح‌طلبان گرفتند. امروز نیز صحنه رقابت دارای چنین مختصاتی است.

نشان به آن نشان که در این دوره نماینده جریان اصلاحات اساساً بدون هیچ طرح و برنامه مشخص و سابقه درخشان در انتخابات ثبت نام کرده و در تبلیغات تلویزیونی، تقریباً درباره تمام موضوعات مهم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یا به بیان کلیات و لزوم اجرای سیاست‌های مقام معظم رهبری اکتفا کرد و یا با این توجیه که «من کارشناس نیستم» مردم را به کارشناسان ارجاع داد. حال باید پرسید که چرا ایشان از رقبای با برنامه و دارای کارنامه خود آراء بالاتری کسب کرد؟

پاسخ این سوال با ارجاع به تجربه انتخابات ۹۶ کاملاً روشن خواهد شد. ستاد انتخاباتی دکتر پزشکیان دقیقاً همان ستادی است که تجربه‌ی موفق فریب مردم در سال ۹۶ را در کارنامه خود دارد. ستاد انتخاباتی دکتر روحانی رئیس‌جمهور بسیار محبوب کشورمان در دوران طلایی دهه ۹۰ دقیقاً با همان راهبرد گذشته امسال هم وارد کارزار انتخاباتی شده و مجدداً دو محور اصلی را در دستور کار خود دارد: تحریم و آزادی‌های مدنی. ماموریت اصلی ظریف و آذری جهرمی در ستاد ایشان کاملاً معطوف به این دو موضوع است.

در یادداشت بعد توضیح خواهم داد که این دو کلیدواژه چگونه در پوشاندن کارنامه سیاه دولت روحانی در عرصه اقتصادی و انحراف آذهان مردم از مسائل اصلی کشور استفاده شده است.

«دولت پزشکیان»، خطرناک‌تر از «مسعود پزشکیان» چرا به مسعود پزشکیان رأی نمی‌دهم؟

سید علی سیدان



مقام دفاع از حمله موشکی ایران برآمدند و توضیح ندادند که چرا با این عملیات در تله جنگ نیفتادیم!

اجمالاً باید گفت دولت پزشکیان، مسعود پزشکیان را خواهد بلعید. او به گفته خودش «می‌فهمد که نمی‌فهمد» و چنین شخصیتی، چشم و گوش و دست و زبانش بسته به نظرانی است که از جانب تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران دولتش با رنگ و لعاب «کارشناسی» به او دیکته می‌شود. کسی که حتی از محتوای توییت خود اطلاع ندارد، چگونه می‌خواهد یک کشور را اداره کند؟!

چنین وضعی به ما می‌گوید دولت پزشکیان، احتمالاً دولتی ناپایدار و موقتی خواهد بود. چون در صورت تشکیل این دولت، پزشکیان یا باید پا روی اعتقاداتش بگذارد و در گیرودار اداره کشور، تسلیم سخن گفتارپردازان، تصمیم‌سازان و مدیران دولتش شود که لازمه این کار از دست دادن صداقت و هویت سیاسی خود او و تنش دائمی‌اش با بدنه حاکمیت و در نتیجه سست شدن پایه دولت اوست؛ یا باید بدنه سیاسی حامی خود را از دست بدهد و دولتی ضعیف و بی‌یار و یاور تشکیل دهد که روشن است تشکیل چنین دولتی در وضع کنونی ایران و جهان چقدر خطرناک خواهد بود.

احتمال زیادی هست که به دلیل خستگی، پیری، بیماری و عدم تاب‌آوری تش‌های سیاسی، نتواند دولت خود را مهار کند و از میانه کار کنار بکشد و دولتش، دولت مستعجل باشد. آن‌وقت ما می‌مانیم و یک فرصت از دست رفته و یک بدنه اجتماعی افسرده و پریشان.

مسعود پزشکیان، با احترام از شهید رئیسی یاد می‌کند اما جریان سیاسی لانه‌کرده در ستاد دولت او آن قدر وقیح است که سه سال دولت شهید رئیسی را «فلاکت‌بار» می‌نامد و دولت هشت‌ساله روحانی را می‌ستاید.

مسعود پزشکیان، در مناظرات انتخاباتی، تلاش دولت شهید رئیسی برای گسترش ارتباطات با همه کشورهای جهان را می‌ستاید اما مشاور سیاسی‌اش تصور می‌کند برای گشایش در کارها، نه حتی آویزان چند کشور، نه حتی آویزان یک کشور؛ که باید آویزان یک حزب سیاسی آمریکایی (دموکرات‌ها) شویم تا پیچ فروش نفت را برای ما شل کند!

مسعود پزشکیان، به عنوان یک فرد انقلابی، آمریکا را دشمن خود می‌داند و معتقد است باید با مذاکره، تحریم‌های ظالمانه آمریکا را رفع کنیم و از حقوق و منافع ملت ایران دفاع کنیم اما تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان دولت او، همان کسانی هستند که در چرخشی آشکار دستاورد برجرام را نه رفع تحریم‌ها و نه دفاع از منافع مردم که گرفتن جام اخلاق و روسفید شدن ایران در برابر افکار عمومی جهان و باز شدن باب مذاکره با آمریکا (مذاکره برای مذاکره) می‌دانند! مسعود پزشکیان، تصور می‌کند که باید «مذاکره و مقاومت» را با هم ترکیب کرد اما گفتارپردازان دولت او، یا هیچ ایده‌ای در برابر روی کار آمدن ترامپ (قاتل سردار ما) ندارند یا معتقدند باید خون سردار را با ترامپ معامله کنیم و کمی از او دلار بگیریم.

مسعود پزشکیان، برای نیروی سپاه و توان موشکی ما احترام قائل است اما کسانی از دولت او سهم خواهند گرفت که معتقدند نوشتن «مرگ بر اسرائیل» روی موشک، باعث اخلال در روابط ما با آمریکا می‌شود.

مسعود پزشکیان، حامی فلسطین و دشمن اسرائیل است اما بدنه دولت او همان کسانی هستند که معتقد بودند نباید در دفاع از محور مقاومت به اسرائیل پاسخ موشکی دهیم چرا که در تله جنگ می‌افتیم! همان کسانی که بعد از عملیات وعده صادق و پاسخ ندادن اسرائیل، ناگهان در

«دولت پزشکیان» حتماً از «مسعود پزشکیان» خطرناک‌تر است.

مسعود پزشکیان، از عدالت و انصاف و برابری می‌گوید اما بازار آزادی‌ها در دولتش، وحشی‌ترین نسخه‌های سرمایه‌داری را برای او می‌پیچند.

مسعود پزشکیان، نهج‌البلاغه‌خوان است اما دولت پزشکیان، دولت «جان‌لاک» و «فردریش هایک» خواهد بود.

مسعود پزشکیان، از ترکیب «دیپلماسی و میدان» دم می‌زند اما اصلی‌ترین چهره دیپلماسی او کسی است که محبوبیت مردم میدان را مانع محبوبیت خودش می‌دید و معتقد بود دیپلماسی (ظریف) قربانی میدان (سلیمانی) شده است. (مصاحبه ظریف و آن فایل صوتی معروف را به یاد بیاورید).

مسعود پزشکیان، ساده‌زیست و پاک‌دست است. او خود را همسفره مردم می‌داند و یک ماشین ۲۰۶ ساده دارد اما دولت‌مندان بنزسوار دور او حلقه زده‌اند و دولتش را بی‌آبرو خواهند کرد.

مسعود پزشکیان، تیپ کارگری می‌زند، رفتار کارگری از خود بروز می‌دهد و لحنی ساده و کارگری دارد اما سیاست‌مدارانی را در آغوش گرفته که مسبب سیه‌روزی کارگران هفت‌تپه و هپکو بوده‌اند.

مسعود پزشکیان، مدام از سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری و لزوم تبعیت از ایشان سخن می‌گوید اما سیاست‌پیشگانی در میتینگ‌های رسمی او سخنرانی می‌کنند که رسماً می‌گویند رأی دادن به پزشکیان به معنای مشروعیت بخشیدن به نظام و رهبری انقلاب نیست. همان کسانی که در سال‌های گذشته مدام به رهبری نظام حمله کرده‌اند.

مسعود پزشکیان می‌گوید باید با مردم روراست باشیم اما در میان بدنه سیاسی مشاور و حامی او، فریب‌کاران و دروغ‌گویانی هستند که می‌گفتند اگر فلانی و بهمانی رئیس‌جمهور شود می‌خواهد در پیاده‌روها دیوار بکشد!

مسعود پزشکیان، مدافع نظرات کارشناسی است اما روشنفکران ارگانیک جریان اصلاحات در اطراف او همان کسانی هستند که نظرات و همی خود را درباره همه چیز مانند واکنس، فروش نفت، عدم تأثیر خروج ترامپ از برجرام... به او تحمیل خواهند کرد.

کجای کاری رفیق؟

علی مهدیان



متأسفانه دیدم و شنیدم هنوز برخی از کسانی که به قالبیاب رای دادند از حزب الهی‌ها، می‌گویند به جلیلی رای نمی‌دهیم. عجیب است واقعا. یعنی چی؟ الان که باید وسط میدان تبلیغ باشید و برای جلیلی تبلیغ کنید، و رای جمع کنید و یک هفته مشغول تبیین باشید، تازه مشکوک هم هستید که رای بدهید یا نه؟ اگر چند مورد متکثر از انقلابیون اینگونه، ندیده بودم باورم نمیشد.

میدانید در فتنه ۸۸ علت سکوت بسیاری از خواص که خون به دل رهبر کردند، چه بود؟ این که با شخص احمدی‌نژاد لج افتاده بودند و از او دلچرکین بودند، برای همین صدایشان در دفاع از نظام و انقلاب و مردم و تقابل با فتنه میلرزید، لکنت داشتند، یا سکوت می‌کردند.

سیاست جای بچه‌بازی و قهر و آشتی با این و آن نیست. سیاست یعنی نگاه کنی ببینی رهبریت چه می‌گوید، مردانه همان‌جا باشی ولو همه تو را هو کنند. نیش و کنایه بزنند. سیاست یعنی نگاه کنی ببینی دشمن از تو چه می‌خواهد تو در مقابلش باشی. سیاست یعنی نگاه کنی ببینی مظلومین غزه و مجاهدین لبنان را چه رفتاری از من و تو تقویت می‌کند، همانجا باشی. شما را به خدا بس کنید.

سیاست دعوا کردن و دل خنک کردن نیست، تدبیر است و اتصال، اتصالی از جنس عشق و اراده. بسیاری از کسانی که مدد به جمهوری اسلامی ندادند از فلان جریان و فلان مسوول و فلان

وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ (۱۰، حشر)

خدا یا دل ما را با برادرانمان صاف و بی‌غل و غش قرار ده. ای مظهر رفت و رحمت، جهادی باید دوید، باید برویم بقیه مردم را بیاوریم پای کار انتخابات. پای کار جبهه انقلاب. تلاش کنیم دور دوم پر شورتر شود، و معنایی که از این انتخابات، به دنیا مخابره میشود، معنای اراده مقاومت باشد. ان‌شاء الله

پن. مرا ببخشید که این توضیح واضح‌تر را مجبور شدم بیان کنم.

■ کجای کاری رفیق؟

خدا می‌داند اگر تلاش نکرده باشیم این روزها به هر بهانه ای، و به خاطر کاهلی ما، یک قطره خون بیشتر در غزه و لبنان بریزد مسوولیم. ببینید سخنان سید حسن را درربعین سید ابراهیم، فکر کنید چرا او در چنین مناسبتی چنین سخنانی می‌گوید. من نمی‌دانم این سخنم به دست چه کسانی میرسد، اما همه ما که در دور اول به جلیلی رای نداده ایم، باید عاشقانه دست دیگر هواداران او را بگیریم، قلبمان را صاف کنیم و خلوص ایجاد کنیم که هر چه از دوستان ما برسد عشق است، رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ

پزشکیان و جلیلی کدام گفتمان را نمایندگی می‌کنند؟



۳. گفتمان دفاع مقدس

آنچه فضای دهه اول ایران پس از انقلاب را تحت تأثیر قرار داد، گفتمان دفاع مقدس بود. در پرتو این گفتمان دال‌های آخرت‌گرایی، معنویت‌خواهی، ایثارگری، شهادت‌طلبی، دنیاگریزی، مردم‌سالاری دین‌باوری، تقدم منافع جمعی بر منافع فردی، تولی و تبری، جهاد و مقابله با تجاوز به مثابه دستورالعملی برای کاربست آحاد ایرانیان حول دال مرکزی نظام و امام درآمد. در این فضا بود که مفاهیم و واژگانی چون راست و چپ در عرصه سیاسی با تدبیر بنیانگذار انقلاب و با توقف و تعطیلی کار حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به حاشیه رانده شد.

در این برهه از زمان، گفتمان مذکور با بهره‌گیری از دال غیرت ملی و ضرورت دفاع از کشور و وطن‌دوستی، زمینه تهییج مردم در جمهوری و مشارکت سیاسی را فراهم ساخت.

۴. گفتمان راست سنتی (مذهبی)

گفتمان راست سنتی به عنوان یکی از ستون‌های اصلی در فضای سیاسی ایران و نظام مردم‌سالار دینی در دهه ۶۰ ظهور کرد و در ادوار انقلاب مرجع جریان‌های انقلابی است.

طرفداران این گفتمان، محافظه‌کار و آرمان‌گرای واقع‌بین نامیده می‌شوند، برای ارزش‌ها اهمیت قائل بوده و معتقدند رشد و توسعه اقتصادی نباید با ارزش‌ها در تضاد قرار گیرد و عدالت اجتماعی را مقدم بر توسعه می‌دانند.

دخالت مستقیم دولت در اقتصاد، تاکید بر عدالت اجتماعی و استقلال اقتصادی و سیاسی، مخالفت صریح با خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی، مخالفت با تعدیل اقتصادی و حاکمیت سرمایه‌داری از دیدگاه‌های گفتمان چپ سنتی محسوب می‌شد در دهه نخست بعد از پیروزی انقلاب، گفتمان راست سنتی با بهره‌گیری از دال بسط عدالت اجتماعی و حفظ ارزش‌های سنتی و هنجارهای مورد قبول مردم سعی در تجلی جمهوری و مشارکت سیاسی مردم داشت.

در نگرش اقتصادی راست سنتی، تولید و تجارت و صادرات اهمیت بسیاری دارد. پایگاه اجتماعی راست سنتی را می‌توان در اقلار مذهبی، طبقه متوسط به پایین، بازار و طیف سنتی مشاهده کرد.

۵. گفتمان چپ سنتی (مذهبی)

این جریان در دهه ۶۰ نقش فعالی در عرصه‌های سیاسی داشت. بعد از کنار رفتن دولت موقت و دولت بنی صدر، زمینه و شرایط برای بروز و ظهور اختلافات نظری در میان نیروهای انقلابی درون حاکمیت مهیا شد. در این تقابل‌ها، شعارهای دفاع فعال از قشر مستضعف و گسترش آموزش‌های عقیدتی، تاکید بر تعهد به جای تخصص، هواداری از آرمان برابری فرصت‌ها، گرایش به ایمان دنیوی اخروی، گرایش به سوی جهان‌وطنی و امت واحده به جای میهن‌پرستی و ملیت‌گرایی در زمره دال‌های این گفتمان به چشم می‌خورد.

این گفتمان در سیاست خارجی دارای موضع رادیکال بود و در آن غرب‌ستیزی و صدور افکار و آرمان‌های انقلاب به هر نحوی از اهداف فرامرزی برشمرده می‌شد.

دید طرفداران این گفتمان نسبت به مقوله فرهنگ و مظاهر آن بسیار بسته و تنگ‌نظرانه بود و از دید منتقدان آن با هر نوآوری در زمینه فرهنگ که می‌خواست سنت‌ها و ارزش‌ها را تعدیل کند، برخورد می‌کرد. البته در دهه هفتاد طرفداران این گفتمان دید معتدل‌تری نسبت به مسائل مطرح‌شده پیدا کردند. از دیدگاه گفتمان چپ سنتی، توسعه و رشد اقتصادی در مقایسه با عدالت اجتماعی از اولویت کمتری برخوردار است. به طور کلی دخالت مستقیم دولت در اقتصاد، تاکید بر عدالت اجتماعی و استقلال اقتصادی و سیاسی، مخالفت صریح با خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی، مخالفت با تعدیل اقتصادی و حاکمیت سرمایه‌داری از دیدگاه‌های این گفتمان

مشارکت نزدیک به چهل درصدی صاحبان حق رای در انتخابات روز جمعه هشتم تیرماه تکلیف رئیس دولت چهاردهم را مشخص نکرد. هیچ یک از نامزدها نتوانستند نیمی از آرا به اضافه یک را کسب کنند و به این ترتیب، انتخابات به دور دوم کشیده شد.

روز پانزدهم تیرماه حوزه‌های رای‌گیری در حالی پذیرای شهروندان خواهند بود که افزایش میزان مشارکت می‌تواند دولتی با پشتوانه قوی‌تر را راهی پاستور کند و به بیان رهبر انقلاب موجب «سرافرازی جمهوری اسلامی» و «کوتاه شدن زبان دشمنان» شود.

«مسعود پزشکیان» و «سعید جلیلی» نامزدهای نهایی چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری با ۲ رویکرد و ۲ گفتمان کاملاً متفاوت، امروز می‌توانند بخش بزرگی از جامعه را نمایندگی کنند؛ نامزدهایی که اولی مورد تایید «جبهه اصلاحات» تشکیل جمعی جریان اصلاح‌طلبی قرار گرفته اما خود را اصولگرای واقعی می‌خواند و دومی مورد حمایت «جبهه نیروهای انقلاب» از جریان اصولگرایی است.

این گفتمان‌های سیاسی بوده‌اند که طی قریب به نیم قرن حیات جمهوری اسلامی توانسته‌اند مشارکت مردم در انتخابات را زمینه‌سازی کنند. یارگیری این گفتمان‌ها با تکیه بر شعارهای متناسب با نیاز مردم در جغرافیای سیاسی ایران و در روند توسعه سیاسی و جمهوری‌ت نظام نقش مهمی ایفا کرده است؛ گفتمان‌هایی که اصلی‌ترین دال ص‌بندی و مرزبندی میان آنها تقابل دال تعهد-دال تخصص بوده است.

«گفتمان‌های سیاسی و نقش آنها در مشارکت و جمهوری مردم» عنوان پژوهشی است به قلم بهرام ستاری دستنائی و احمد بخشایشی اردستانی که تابستان ۱۴۰۱ در نشریه جستارهای سیاسی معاصر منتشر شده و به این موضوع می‌پردازد. در ادامه بخش‌هایی از این مطالعه آمده است.

فرضیه مقاله این است که وجه سیاسی نظام جمهوری اسلامی به دلیل کاربرد انگیزه‌های متفاوت مردم متناسب با هر موقعیت جغرافیای سیاسی ایران در برهه‌های زمانی باعث مشارکت مثبت آنها در عرصه‌های متفاوت تصمیم‌گیری کشور خصوصاً انتخابات می‌شود.

گفتمان‌هایی که مشارکت را در جمهوری اسلامی بسترسازی کردند

در سال‌های جنگ تحمیلی، گفتمان دفاع مقدس با تکیه بر دال غیرت ملی و ضرورت دفاع از کشور و وطن‌دوستی، زمینه تهییج مردم در جمهوری و مشارکت سیاسی را فراهم ساخت در هر دهه‌ای از نظام، یک یا چند گفتمان با شعاری مشخص به بیان و پیگیری مطالبات مردم پرداخته است. نتیجه مطرح و غالب شدن این گفتمان‌ها در دوره‌های مختلف به مشارکت سیاسی اجتماعی مردم منجر شده است.

۱. گفتمان لیبرال

گفتمان ملی‌گرایی لیبرال برآمده از تحولات سیاسی اجتماعی اواخر دهه بیست به عنوان گفتمانی ناسیونالیستی در کشاکش تعارضات اجتماعی در مقابل نیروهای استعماری ظهور یافت. رهبری این طیف در ابتدای پیروزی انقلاب، عهده‌دار حکومت موقت شده بود.

این گفتمان قبل از انقلاب با دال‌های برگزاری انتخابات آزاد، آزادی مطبوعات، لغو حکومت نظامی، استقلال، ملی کردن نفت و کوتاه کردن دست استعمارگران و بعد از انقلاب اسلامی با دال ارتباط‌گیری با جهان غرب، آزادی در عرصه‌های سیاسی و انتخابات در جغرافیای سیاسی ایران در ارتباط‌گیری با مردم و مشارکت آنها نقش بازی می‌کرد.

۲. گفتمان اسلام‌گرا

اسلام سیاسی به عنوان یکی از گفتمان‌های مهم در طول تاریخ ایران، بر وجه اعتراضی و سیاسی اسلام تأکید دارد. شاخص‌ترین گروه این طیف حزب جمهوری اسلامی بود که با داشتن کادر رهبری قوی می‌خواست همه نیروهای انقلاب را بسیج و سازماندهی کند.

در نگرش اقتصادی راست سنتی، تولید و تجارت و صادرات اهمیت بسیاری دارد. پایگاه اجتماعی راست سنتی را می‌توان در اقلار مذهبی، طبقه متوسط به پایین، بازار و طیف سنتی مشاهده کرد.

با استغفای بازرگان و کابینه‌اش، لیبرال‌ها کاملاً از صحنه انقلاب و رقابت سیاسی حذف شدند و جریان سنتی اسلام‌گرا به استیلا و برتری کامل دست یافت و هویت‌یابی در درون آن به شکل دیگری ادامه پیدا کرد. در این دوره گفتمان اسلام‌گرا با بهره‌گیری از دال اسلام‌خواهی مردم و تاسی به مبانی اسلام و در صحنه نگه داشتن مردم بر مبنای تکلیف در جمهوری‌ت، از مشارکت سیاسی موثر بهره جست.

۹. گفتمان اصول‌گرایی

اصول‌گرایی یکی از گفتمان‌های اصلی فراگیر و مهم پس از انقلاب، عمدتاً پایه‌های خود را نقاط مثبت گفتمان‌های گذشته قرار داده است. این گفتمان ساختار و عناصر مقوم خود را از گفتمان دفاع مقدس ودیعه گرفته است.

اصول‌گرایی با توجه به دال‌های ارزشی و انقلابی، عدالت‌محوری، رفع محرومیت‌ها و تبعیض‌ها، توزیع عادلانه منابع، مهرورزی و ... مشارکت سیاسی مردم در صحنه‌های متفاوت خصوصاً انتخابات را زمینه‌سازی می‌کند.

مهم‌ترین مبانی فکری گفتمان اصولگرا عبارتند از توجه ویژه به ارزش‌ها و اصول اسلامی و انقلابی و محور قرار دادن آن در تصمیم‌گیری‌ها، عدالت‌محوری، رفع محرومیت‌ها و تبعیض‌ها، توزیع عادلانه منابع کشور و پایه‌ریزی اقتصاد عدالت‌محور، خدمتگزاری بی‌منت و مهرورزی و در عرصه سیاست خارجی محور قرار دادن اصول و ارزش‌های انقلاب، تامین منافع ملی و کوتاه نیامدن در برابر زیادی‌خواهی قدرت‌های بزرگ.

۶. گفتمان‌ها، مشارکت سیاسی مردم و جمهوری‌ت نظام

اصول‌گرایی با توجه به دال‌های ارزشی و انقلابی، عدالت‌محوری، رفع محرومیت و تبعیض‌ها، توزیع عادلانه منابع، مهرورزی و ... مشارکت سیاسی مردم در صحنه‌های متفاوت خصوصاً انتخابات را زمینه‌سازی می‌کند

در پرتو گفتمان‌های سیاسی کشور، جمهوری‌ت و مشارکت سیاسی آگاهانه در جغرافیای سیاسی ایران با بستر اجتماعی مناسبی در طول این چند دهه نظام مردم‌سالاری دینی روبرو شده است.

از نظر جامعه‌شناختی، نظام سیاسی پایدار توسط مشارکت همگانی و آگاهانه شهروندان به عنوان یک پروژه فراگیر محقق می‌شود. آنچه به عنوان مانع جمهوری‌ت و مشارکت سیاسی در جامعه کنونی، محسوب می‌شود و پروسه مشارکت شهروندان را با مشکل مواجه می‌کند، فقدان فرصت‌های برابر همه شهروندان در امر مشارکت سیاسی است که توسط گفتمان‌ها و با پذیرش سلاقی گوناگون فرصت برابر برای همه مردم توسعه پیدا می‌کند.

ساختار سیاسی و اجتماعی موزائیکی و چند تکه است یعنی مردم کنار هم چیده شده‌اند و تعاملاتی که بین این گروه‌ها صورت می‌گیرد می‌تواند انشقاق و از هم‌گسیختگی جامعه را از بین ببرد. این انشقاق‌ها می‌تواند از طریق گفتمان‌های نظام سیاسی از بین برود.

به دیگر سخن هر چند مردم نسبت به سرنوشت سیاسی خود حساس‌تر باشند از گفتمان‌های سیاسی بهره‌بختی می‌برند، اما اگر این مشارکت‌ها در هاله‌ای از تعصبات یا انحصار‌گرایی و تفوق‌طلبی باقی بماند، از نقش مثبت آن کاسته می‌شود.

تاریخ جامعه ما در چند دهه اخیر شاهد پیدایش گفتمان‌های سیاسی فراوانی با ایدئولوژی‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی بوده است که عمده آنها موفق بوده‌اند مشارکت سیاسی و جمهوری‌ت را متناسب با مردم افزایش دهند.

جمهوری‌ت و مشارکت سیاسی فقط در جامعه‌ای تبلور پیدا می‌کند که دارای فرهنگ مشارکتی باشد. باید فرهنگ مشارکتی را در جامعه تقویت کنیم. نقطه اتکای ما باید بیشتر روی مشترکات باشد تا فرهنگ جدیدی که تساهل و مدارای سیاسی در آن وجود داشته باشد را در جامعه رواج دهد. این وظیفه خطیر توسط گفتمان‌ها تسری پیدا می‌کند. تا زمانی که ساختار نظام سیاسی تحزبی نباشد، می‌توان بر اساس گفتمان‌های موجود از وجود مردم جهت مشارکت عمومی بهره مثبت برد.

همان‌طور که ما یک شبه به دموکراسی نمی‌رسیم یک شبه به مشارکت سیاسی هم نمی‌رسیم. مشارکت سیاسی یک پروسه و یک روند در حال تحول است که این تحول توسط گفتمان‌ها در حال شکل‌گیری است.

تحول نیازمند نهادهای خاصی است تا انرژی و توان شهروندان در کانال و جریان خاصی هدایت و راهنمایی و از کاسته شدن آن جلوگیری شود.

در طول دهه‌های گذشته، نظام مردم‌سالاری دینی توسط گفتمان‌های موجود این کاستی‌هایش برطرف شده است و گفتمان‌ها این تدبیر را در هر دهه با گفتمان مردم‌پسند به جامعه عرضه کرده‌اند؛ در دهه ۶۰ با گفتمان دفاع مقدس، گفتمان چپ و راست سنتی، در دهه ۷۰ با گفتمان سازندگی و گفتمان چپ و راست مدرن، دهه ۸۰ با دو گفتمان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب، دهه ۹۰ نیز با رویکرد اعتدال این تحول شکل گرفت.

امروز و در آستانه برگزاری دور دوم انتخابات چهاردهمین ریاست جمهوری ایران بار دیگر گفتمان‌هایی با دال مرکزی تعهد- تخصص وارد عرصه شده‌اند تا مشارکت را زمینه‌سازی کنند.

پی‌نوشت:

بهرام ستاری دستنائی و احمد بخشایشی اردستانی، «گفتمان‌های سیاسی و نقش آنها در مشارکت و جمهوری‌ت مردم»، جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۳، شماره ۲، تابستان

تاثیر انتخابات فرانسه بر اروپا، آسیا و ناتو

گرچه بر اساس قانون اساسی فرانسه رئیس‌جمهور می‌تواند هر چهره‌ای را که خواست به‌عنوان نخست‌وزیر برای تشکیل دولت انتخاب کند، اما از آنجا که پارلمان فرانسه می‌تواند با رأی عدم اعتماد نخست‌وزیر را برکنار و دولت را منحل کند، ماکرون باید چهره‌ای را برای نخست‌وزیری خود انتخاب کند که مورد تأیید حزب حاکم بر پارلمان این کشور است.

بدین ترتیب، اگر لوپن با اجتماع ملی به اکثریت پارلمان فرانسه دست پیدا کند، می‌تواند با اعمال نفوذ در تعیین نخست‌وزیر، در تعیین وزرا نقش داشته و عملاً دولت را در دست بگیرد. اگر هم این حزب شکست بخورد، این احتمال وجود دارد که هیچ‌یک از احزاب دیگر نیز توان کسب اکثریت پارلمان را نداشته باشند و فرانسه در آستانه المپیک پاریس، بی‌ثبات شود.

ظهور یک دولت راست افراطی در فرانسه به معنای تغییر موازنه قدرت در بروکسل خواهد بود. خاندان لوپن از مدت‌ها پیش با هم‌فکران خود در اروپا ارتباط برقرار کرده است، از جمله «جورجیا ملونی» در ایتالیا و «ویکتور اوربان» در مجارستان. این حزب به‌صورت علنی خواستار خروج فرانسه از اتحادیه اروپا نیست، اما اغلب به اتخاذ موضعی در حمایت از «فریگزیت» یا خروج فرانسه از اتحادیه اروپا متهم شده است.

علاوه بر اتحادیه اروپا، ناتو هم با قدرت‌گیری لوپن دستخوش تغییر خواهد شد. فرانسه در دوران ریاست‌جمهوری ماکرون تا امروز یکی از حامیان اصلی اوکراین و ناتو بوده و از هیچ حمایت مالی و تسلیحاتی فروگذار نکرده است. اما لوپن اینگونه نیست. او در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۲ فرانسه خواستار خروج این کشور از ساختار فرماندهی نظامی یک‌پارچه ناتو شد و در ۲۰۲۱ نیز درباره عدم اعتماد خود به ناتو در یک گفت‌وگوی رسانه‌ای گفته بود: «روسیه تهدیدی نیست که بسیج چنین ساختاری را توجیه کند».

تحلیلگران همچنین باور دارند روی کار آمدن دولت راست افراطی در فرانسه تلاش‌های ماکرون و اتحادیه اروپا برای حفظ موضع کنونی خود در برابر چین را تضعیف خواهد کرد؛ امری که با تشدید اختلاف‌های موجود در اتحادیه اروپا بر سر موضع‌گیری در برابر چین، در نهایت به نفع پکن خواهد بود.

سرمایه‌گذاران نیز به دنبال تحول هستند. پس از آنکه ماکرون انتخابات زودهنگام را اعلام کرد، شاخص بورس پاریس کاهش یافت و جایگاه خود به عنوان بزرگ‌ترین بازار سهام اروپا را به لندن واگذار کرد. شرکت سرمایه‌گذاری ناتینگزیس می‌گوید بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند به صورت موقتی سرمایه‌گذاران خارجی را پس بزند.

برگزاری انتخابات زودهنگام پارلمانی فرانسه



دوم هستند که حداقل ۱۲.۵ درصد آرا را در دور اول کسب کرده باشند. کسانی برنده می‌شوند که رای بیشتری کسب کنند. با برگزاری این انتخابات، رئیس‌جمهور فرانسه امیدوار است که پایگاه سیاسی ائتلاف حاکم را برای تضمین حمایتی قابل اعتماد برای سیاست‌هایش در میان قانونگذاران این کشور مستحکم کند.

با این حال، نتایج نظرسنجی‌های اخیر نشان نمی‌دهد که حامیان ماکرون توانسته باشند جایگاه خود را بهبود بخشند. بر اساس نظرسنجی‌ها، ائتلاف ریاست‌جمهوری ممکن است سوم شود و پس از مخالفان جناح راست و چپ قرار گیرد. حزب راست افراطی اجتماع ملی در رتبه‌بندی‌ها پیشتر است و پس از آن جبهه جدید مردمی قرار دارد.

انتخابات زودهنگام پارلمانی فرانسه به تصاحب ۵۷۷ کرسی توسط ائتلاف میانه‌روی «امانول ماکرون» رئیس‌جمهور، حزب راست افراطی «اجتماع ملی» و حزب چپ «جبهه جدید مردمی» منجر می‌شود. انتخابات زودهنگام پارلمانی فرانسه در سرزمین‌های فرادریایی این کشور آغاز شده و شعب اخذ رای در سرزمین اصلی فرانسه در ساعت ۸ صبح (۰۶:۰۰ به وقت گرینویچ) یکشنبه باز می‌شوند. انتظار می‌رود اولین پیش‌بینی‌های رای‌گیری در ساعت ۲۰:۰۰ انجام شود، زمانی که شعبه‌های رای‌گیری نهایی بسته می‌شود و نتایج رسمی زودهنگام اواخر یکشنبه شب اعلام‌ن خواهد شد.

اگر کاندیدایی در اولین رای‌گیری اکثریت آرا را به دست آورد، کرسی از آن او می‌شود. تنها نامزدهایی مجاز به شرکت در دور



قمار ماکرون جواب می‌دهد؟

محقق سیاسی موسسه ساینس‌پو می‌گوید: «در دورانی که فرانسوی‌ها به دموکراسی پایین به بالا (غیردستوری) نیاز دارند، ماکرون دموکراسی را از موضع قدرت تحمیل کرده است... کاملاً شاهانه، به‌نوعی سلطنتی!» این اقدام ماکرون در میان چهره‌های حزبی هم با انتقاد مواجه شده و برخی از او درخواست کردند از رهبری حزب کناره‌گیری کرده و «گابریل اتل» نخست‌وزیر فرانسه را به جای خود بگذارند.

از سوی دیگر، ائتلاف حزب ماکرون با یک بلوک قدرت تازه‌تأسیس مواجه است که از احزاب جریان چپ تشکیل شده است. ائتلاف «جبهه محبوب جدید» با حضور احزاب «سوسیالیست»، «سبز»، «کمونیست» و حزب چپ افراطی «فرانسه تسلیم‌ناپذیر» تشکیل شده که در گذشته از یکدیگر جدا بودند. این ائتلاف به صورت غیرمنتظره‌ای حمایت اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های غیردولتی را جذب کرده است.

ماکرون برای مواجهه با این ائتلاف غیرمنتظره آماده نبود و حالا این احتمال وجود دارد که نامزدهای این ائتلاف در دور دوم انتخابات پارلمان بر گزینه‌های مورد حمایت ماکرون پیروز شوند. حامیان تصمیم ماکرون برای اعلام انتخابات زودهنگام می‌گویند او با این پیش‌فرض وارد این قمار شد که شهروندان فرانسه در بزنگاه‌های حساس، راست افراطی را رها می‌کنند و شعار رسمی کشور خود، یعنی «آزادی، برابری، برادری» را در نظر می‌گیرند. در مقابل، منتقدان این تصمیم می‌گویند ماکرون اقدام پرخطری انجام داده، زیرا رهبری فرانسه نه تنها بر مردم این کشور تأثیر می‌گذارد، بلکه تبعات برون‌مرزی دارد.

مهمترین رقیب حزب ماکرون

«جردن باردلا» سیاستمدار ۲۸ ساله فرانسوی از حزب «اجتماع ملی» با حمایت‌های شخص لوپن قدرت گرفته تا چهره‌ای نو به سیاست‌های این حزب داده و وجهه آن را بهبود بخشید. او که در شبکه اجتماعی «تیک‌تاک» محبوبیت زیادی دارد، یک به‌اصطلاح «آفتاب‌پرست سیاسی» است که توانسته باورهای بیگانه‌هراسانه جریان راست افراطی را تلطیف کرده و آن‌ها را در قالب «نگرانی درباره مسئله مهاجرت» ارائه کند.

حزب اجتماع ملی از حزب «جبهه ملی» ریشه می‌گیرد که توسط «ژان ماری لوپن» پدر کاربن لوپن در دهه ۷۰ میلادی تشکیل شد و اعضای ارشد آن از مقامات سابق «سپاه پاسداری» آلمان نازی یا «اس‌اس» بودند. از آن زمان تا امروز خاندان لوپن بر جریان راست افراطی در فرانسه حکمرانی کرده است. یک تحلیلگر امور سیاسی می‌گوید این حزب به‌هیچ‌وجه آمادگی حکمرانی بر فرانسه و تشکیل دولت را ندارد. این محقق که در موسسه «ساینس‌پو» فعالیت دارد می‌گوید: «شاید این قمار امانوئل ماکرون است که بگذارد آن‌ها به قدرت برسند تا نشان دهد که ناتوان هستند».

ماکرون در گذشته در ۲ انتخابات ریاست‌جمهوری توانسته لوپن را شکست دهد، زیرا ایده‌های لوپن در فرانسه از محبوبیت چندانی برخوردار نیست. با این حال، این روزها محبوبیت ماکرون در میان رأی‌دهندگان کاهش پیدا کرده و آن‌ها او را یک «تخبه‌پرست» می‌دانند. تصمیم او برای اعلام انتخابات زودهنگام و خطراتی که در پی دارد نیز بیش‌ازپیش به این تصویر رنگ واقعیت داده است.

زلزله سیاسی در فرانسه و دورنمای مبهم پس از انتخابات

صدرنشینی جریان راست افراطی در دور اول انتخابات فرانسه، علاوه بر اینکه دو قطبی و کشمکش‌های سیاسی در پاریس را تعمیق کرده، افق مبهمی را فراوری این کشور قرار داده است. بر اساس نتایج اولیه انتخاباتی که روز یکشنبه در فرانسه برگزار شد، حزب تجمع ملی ۳۳ درصد از آرا عمومی را کسب کرد و حزب چپ‌گرایی جبهه مردمی موفق شد ۲۸ درصد از آرا را به خود اختصاص دهد، این در حالی بود که حزب وابسته به امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه تنها ۲۲ درصد از رأی‌ها را از آن خود کرد. سناریوی دیگری که در نتیجه انتخابات کنونی ممکن است رقم بخورد، این است که حزب تجمع ملی نتواند ائتلاف لازم برای تشکیل کابینه را در نتیجه کشمکش‌های گسترده کنونی بین طوایف سیاسی فرانسه فراهم کند که این موضوع آینده مبهمی را برای این کشور رقم خواهد زد.

احتمال آشتی‌کنان سوریه و ترکیه

عمادآبشناسان



امروزه با میانجی‌گری عراق در حال به نتیجه رسیدن است. می‌توان تصور کرد اگر سوریه و ترکیه اختلافات شان را حل و فصل کنند جنگ در سوریه به پایان برسد، البته هنوز مشکل اشغال بخش‌هایی از خاک سوریه توسط آمریکا و اسرائیل وجود دارد، ولی به هر حال امید آن می‌رود که ثبات و امنیت به سوریه برگردد و تروریست‌هایی که توسط آمریکا در این منطقه ایجاد شده اند محاصره شوند.

یکی از مسایلی که امروزه مورد بحث دولت‌های سوریه و ترکیه خواهد بود چگونگی مقابله با تروریست‌های موجود در مناطق شمالی سوریه است و احتمالاً اگر این دو کشور به توافق برسند یا کمک دیگر دوستان مانند ایران و روسیه تکلیف این تروریست‌ها را روشن کنند.

همچنین سوریه هفته گذشته در سازمان ملل بر علیه همه نیروهای خارجی حاضر در سوریه طرح دعوا کرد ولی همه به خوبی می‌دانند اصل این طرح دعوا بر علیه حضور آمریکا و متحدین اش می‌باشد و پس از حل اختلافات سوریه و ترکیه به نظر می‌رسد نوبت حل مساله حضور آمریکا خواهد رسید.

سلطه خود بر خاک این کشور را بسط دهد و یا مجبور است به زور متوسط شود یا اینکه به یک ترتیبی با ترکیه وارد توافق شود تا از خاک سوریه خارج شود.

طبق آمار غیر رسمی حدود ۳ میلیون مهاجر غیر رسمی سوریه در ترکیه حضور دارند که موجب خشم و نارضایتی مردم ترکیه شده اند و در انتخابات محلی به دلیل اصرار بر نگهداری آنها حزب آقای اردوغان متحمل شکست‌های سنگینی شد.

اکثر این مهاجرین نه به دلیل اینکه مخالف دولت سوریه هستند بلکه به دلیل اینکه به دنبال سوء استفاده از شرایط بهتر زندگی در ترکیه به این کشور مهاجرت کرده اند.

به هر حال ترکیه هم امروزه با شرایط اقتصادی ناگواری مواجه است و به دنبال آن می‌باشد که اختلافات با همسایگان را صفر کند تا بتواند به مشکلات داخلی خود بپردازد. می‌توان گفت شرایط بسیار خوبی ایجاد شده که هم سوریه خواهان حل اختلافات است و هم ترکیه.

در ملاقات دو سال پیش میان روسای جمهوری ایران و روسیه و ترکیه در تهران این بحث مطرح شد و به نظر می‌رسد

میانجیگری‌ها از هر زمان دیگری مناسب‌تر است. وی در پایان گفت: روسیه برای پیشبرد مذاکرات آماده است و هدف، موفقیت در بازگشت روابط بین سوریه و ترکیه است.

شاید برخی به یاد نداشته باشند اما قبل از جنگ سوریه روابط این کشور با ترکیه به اوج خود رسیده بود و بشار الاسد و رجب طیب اردوغان افطار را در دمشق و سحری را در آنکارا با خانواده می‌خوردند اما به یکباره پس از انقلاب‌ها در کشورهای عربی اخوان المسلمین در سوریه فعال شدند و توطئه سرنگونی دولت سوریه مورد حمایت ترکیه اخوانی قرار گرفت.

میلیاردها دلار و هزاران جنگجو از طریق ترکیه به سوریه سرازیر شدند تا دولت مرکزی را سرنگون کنند جهان جلو اخوان المسلمینی در یک آن در کل جهان عرب اوج گرفته بود و ترکیه باور داشت که می‌تواند با موج سواری بر این جو سلطه عثمانی خود بر کشورهای عربی را برگرداند و از انقلاب‌ها در همه کشورهای عربی حمایت می‌کرد.

علیرغم اینکه در اقلیت هستند اخوانی‌ها چون سازماندهی بسیار خوبی داشتند معمولاً در انتخابات در کشورهای عربی همیشه موفق می‌شوند چرا که طرف‌های مقابل سازماندهی شده نمی‌باشند و بسیاری از مردم رای نمی‌دهند و یا اینکه در رای دادن خود مردم می‌باشند.

همین امر منجر شد که پس از انقلاب‌ها در کشورهای عربی که به نام بهار عربی و یا بیداری اسلامی معروف شد در اکثر انتخابات اخوانی‌ها به سرعت به قدرت برسند، اما اخوانی‌های عرب حاضر نشدند زیر چتر ترکیه بروند و مشاهده کردیم در آن زمان با سفر اردوغان به مصر و لیبی و تونس با سردی رفتار شد.

به هر حال امروزه به دلیل حضور ترکیه و نیروهای همسو با آن در شمال سوریه دولت سوریه نمی‌تواند

پس از سالها جنگ و کشت و کشتار در سوریه امروزه ترکیه و سوریه قرار است به زودی نشست برای مذاکره و در نهایت آشتی‌کنان در عراق داشته باشند.

در این راستا رسانه‌های سوری از هماهنگی و فراهم شدن تمهیدات لازم برای برگزاری نشست قریب الوقوع سوریه و ترکیه در بغداد خبر دادند. روزنامه سوری «الوطن» در این باره نوشت: «تصمیمات جدی برای بازگشت طرف‌های سوری و ترکی به میز گفت‌وگو وجود دارد».

الوطن افزود: «این نشست، آغاز یک روند طولانی مذاکرات خواهد بود که ممکن است به توافقات سیاسی و میدانی بینجامد».

بر اساس این گزارش، «طرف ترکیه‌ای از مسکو و بغداد خواسته است تا بدون حضور هیچ شخص ثالث و به دور از رسانه‌ها بر سر میز گفت‌وگو دو جانبه با طرف سوری بنشینند و درباره احیای روابط بین دو کشور رایزنی کنند».

پیشتر بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه در جریان دیدار «الکساندر لاورنتیف» فرستاده ویژه رئیس‌جمهور روسیه به سوریه گفته بود: کشورم از تمامی ابتکار عمل‌های مربوط به روابط با ترکیه که مبتنی بر حاکمیت کامل سوریه و مبارزه با انواع تروریسم و سازمان‌های تروریستی باشد، استقبال می‌کند.

بشار اسد ضمن تأکید بر اینکه این ابتکارها بیانگر عزم و اراده کشورهای ذی‌ربط برای برقراری ثبات در سوریه و کل منطقه است، تصریح کرد: سوریه همیشه به صورت مثبت و سازنده با همه ابتکارهای ذی‌ربط برخورد کرده و موفقیت و ثمربخش بودن هر ابتکاری از احترام به حاکمیت و ثبات کشورها نشأت می‌گیرد.

فرستاده ویژه رئیس‌جمهور روسیه ضمن تأکید بر حمایت کشورش از تمامی ابتکارهای مربوط به روابط بین سوریه و ترکیه تصریح کرد: به نظر می‌رسد که شرایط فعلی برای موفقیت



عقب‌گرد نکنیم!

مهدی محمدصادقی

اینکه خودمان می‌توانیم، بدون تجربه و استناد ملی و تجربه بین‌المللی چگونه می‌توانیم؟ با این نسخه دل و روده مملکت را بیرون می‌ریزیم و نمی‌توانیم جمع کنیم... چرا کارشناس خارجی نمی‌آوریم؟... چرا برای اقتصاد بیمار، صنعت، بانکداری و کشاورزی به سراغ اروپا نمی‌رویم؟!

شاید اگر موتورهای جستجوگر اینترنتی در دسترس نبود؛ هیچکس، گوینده این جملات را نمی‌یافت و لاجرم این گزاره‌ها به افراد شاخص جریان غربزده دوران پهلوی همچون تقی‌زاده یا فرنگی‌مابان عصر قاجاری نظیر آخوندزاده و میرزا ملکم‌خان، منتسب می‌شد.

بن‌مایه این تفکر و اندیشه محوری آن، غرب‌باوری و اروپاپرستی است که پیامد هولناک آن، سلطه‌جویی و وابستگی به اجنبی و بیگانگان است.

علاوه بر این، پذیرش این گفتمان موجب می‌شود از ظرفیت‌ها و استعدادها داخلی کشور غافل شده و با هزینه‌ترانی از بیت‌المال، طالب‌وها و لطیف‌ها را به سفرهای لاکچری فرستاد تا با پیوستن به معاهدات و توافقات بین‌المللی، ما را به مقلدان و غلامان حلقه به گوش فرنگی‌ها، مبدل سازند.

بگذریم که این الگوی اداره کشور، چه به روز مملکت‌مان خواهد آورد؛ اما ناگزیر به برخی از تبعات خسارت‌بار این گفتمان اشاره می‌شود و درباره آثار این اندیشه در توقف فرایند پیشرفت کشور و تضعیف روحیه خودباوری مردم، مطالبی ارائه خواهد شد. روزی که تقی‌زاده برای حل مسائل کشور، نسخه غربی شدن ایرانیان از فرق سر تا نوک پا را تجویز می‌کرد؛ گمان نمی‌برد پس از خاتمه دوران استعمار نیز نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران، این چنین پرچم غرب‌پرستی و خودباختگی را به دست بگیرد!

جالب ماجرا این جاست که این بنده خدا با چنین تفکر واداده و ناامیدانه‌ای دنبال نگهداشت سرمایه انسانی در کشور است و می‌خواهد از میل به مهاجرت جوانان بکاهد.

حال آن که این قبیل گفتار، بر طبل ناامیدی و غفلت از سرمایه‌های ملی می‌کوبد و هم‌راستا با رسانه‌های دشمن، انگاره خودتحقیری را تقویت می‌کند و روحیه خودباوری جوان ایرانی را فرو می‌پاشد!

ضمناً بسیاری از اندیشه‌ورزان و فرهیختگان ایرانی بر این باورند، پیشرفت هر کشور، دارای نسخه بومی و ملی است؛ بنابراین با درک اقتضائات کلان و ملاحظات فرهنگی جامعه، باید الگوها و مدل‌های ارتقا دهنده و سیاست‌های پیش‌برنده را اجرا کرد.

البته این نافی بهره‌مندی از تجربیات موفق سیاستگذاری سایر کشورها نیست، فقط اعتقاد بر این است که نباید در این زمینه در وادی افراط افتاد و به طرح‌ها و برنامه‌های خارجی به دیده «معیار» و «قبله‌آمال» نگریست.

متأسفانه اطرافیان و حامیان جناب پزشک‌شان، نمادی‌برنامه‌نگاری و خودبیگانگی هستند که تاریخ‌نشان می‌دهد تمام تخم‌مرغ‌هایشان را در سبد توسعه خارجی و سفرهای فرنگ می‌چینند و اگر در انتخاب‌مان دقت نکنیم؛ آینده‌مان را تباه می‌کنند و به روز سیاه می‌نشانندمان.

مطمئن باشید این قماش، چون در غرب فرو رفته و محو الگوی توسعه غربی هستند؛ هیچ‌گاه نگاه درون‌زا نخواهند داشت و دل‌شان به حال و روز ما نخواهد سوخت.

یقین بدانید این بی‌برنامه‌های غرب‌پرست، به جز تقلید و دنباله‌روی، هیچ‌الگو و مدل پیشرفتی برای کشور متصور نیستند و وقتی به نتیجه نرسند و به عملکردشان انتقاد شود؛ میکروفن به زمین خواهند کوبید و با دوگانه‌سازی تخیلی، به «نمی‌گذارند» و «نمی‌شود»، حواله‌مان خواهند داد!

فراموش نکرده‌ایم که بعد کلی سفر لاکچری و اتلاف بیت‌المال از سوی این عزیزان، نه تنها گشایش اقتصادی ایجاد نشد و به نتیجه‌ای نرسیدیم؛ بلکه هر روز شاهد تعطیلی کارخانجات و بیکاری جوانان مان بودیم.

پس، فریب جلیلی‌هراسی این جماعت را نخوریم و با دست خود دوباره مسیر پیشرفت کشور را به سرطان غرب‌زدگی مبتلا نکنیم که این موقف، تکرار تاریخ و بازگشت به دوران ماقبل مشروطه است!

خصوصی شده بسیار متفاوت عمل می‌کنند. در سال ۹۷ یا ۹۸ کمیسیون ویژه نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ جلسه‌ای نظارتی برگزار کرد که طی این جلسه مطرح شد که چرا پس از سه سال، قانون رفع موانع تولید در بحث واگذاری اموال مازاد اجرایی نشده و نگارش قانون و ضمانت‌های اجرایی آن نیز مشکلاتی را ایجاد کرده است که در آن جلسه مسئولین وقت اقتصادی، ریسک نکردن مدیران بانکی در فروش اموال مازاد به ویژه در بانک‌های دولتی را یکی از مهمترین عوامل برشمردند.

دبیر کمیسیون اقتصادی هیئت دولت اهمیت پرداختن به مسائل پایه‌ای قبل از بررسی علل و انگیزه‌های ایجاد اموال مازاد در بانک‌ها را مورد تأکید قرار داد و گفت: به عنوان مثال، دو بانک کشور در تأمین مالی آزادراه زنجان مشارکت داشته‌اند. این مشارکت یک فعالیت اقتصادی بوده و آزادراه هم یک طرح کاملاً انتفاعی تعریف شده است. اما سال‌هاست که برای اخذ عوارض از این آزادراه، با چالش‌هایی مواجه هستند. با این وضعیت، عملاً بانک‌ها منفعتی از این مشارکت نبرده‌اند. در حال حاضر بانک‌ها ناچار به واگذاری سهم خود در این پروژه شده‌اند که انجام این فعالیت نیز کار آسانی نخواهد بود. از این دست چالش‌ها به ویژه برای بانک‌های دولتی در تملک قهبری اموال و دارایی‌ها فراوان وجود دارد. موضوع دیگر عدم تنوع کافی در مورد نظام وثایق است که با غیرجاری شدن تسهیلات، وثایق که عمدتاً ملکی هستند به تملیک بانک درآمده و خود این رویه نیز موجب شده که املاک مازاد بانک‌ها افزایش یابد.

■ قیمت‌گذاری غیراصولی مانع از فروش اموال مازاد بانکی می‌شود

موسی شهبازی غیائی چالش‌های واگذاری اموال مازاد را بررسی کرد و گفت: به سبب شرایطی تورمی که وجود دارد، ارزش اموال واگذار شده پس از مدتی افزایش می‌یابد. مدیران بانک‌ها در صورت واگذاری این اموال، باید پاسخگوی سهامداران و... باشند. همچنین ایرادهای دستگاه‌های نظارتی در خصوص بانک‌های دولتی هم از مشکلات این حوزه است.

وی از تصویب دستورالعملی برای نحوه واگذاری اموال مازاد از لحاظ قیمت‌گذاری در دولت خبر داد و دلیل تصویب آن را این‌طور عنوان کرد: در گذشته، گاهی قیمتی برای واگذاری اموال تعیین می‌شد که بیشتر از قیمت واقعی بود. این نوع قیمت‌گذاری، عملاً فروش اموال را غیر ممکن می‌ساخت. دبیر کمیسیون اقتصادی هیئت دولت افزود: بر اساس این مصوبه جدید، بانک‌های دولتی موظفند ارزش شرکت‌هایی که سهام آنان در بورس عرضه شده است را بر اساس قیمت تابلو تعیین کنند. ارزش شرکت‌های غیربورسی هم باید توسط هیئت کارشناسی با نظارت وزارت اقتصاد تعیین شود. در مورد بانک‌های خصوصی نیز مقررات خاصی تدوین شده است.



ردپای عوامل ساختاری در انباشت اموال مازاد شبکه بانکی

موسی شهبازی

موسی شهبازی غیائی دبیر کمیسیون اقتصادی هیئت دولت، الگوی فعلی کسب‌وکار بانک‌ها را از جمله موانع ساختاری واگذاری اموال مازاد دانست و افزود: بررسی مسائل و چالش‌های اقتصاد کلان و به خصوص تورم بالا در بلندمدت، در کنار سایر عوامل درونی علل و انگیزه‌های انباشت اموال مازاد در شبکه بانکی اهمیت دارد. همچنین در خصوص بانک‌های دولتی و شبه دولتی نیز ملاحظات مربوط به تعیین قیمت اموال مازاد بانک‌ها موجب عدم فروش این اموال و انباشت آن‌ها در شبکه بانکی شده است.

■ انباشت اموال مازاد ریشه در مسائل کلان و پایه‌ای دارد

موسی شهبازی غیائی مهم‌ترین دلایل انباشت اموال مازاد در شبکه بانکی را برشمرد و گفت: در شرایط تورمی، واگذاری اموال با منطق اقتصادی همخوانی ندارد. یک مشکل دیگری که در شبکه بانکی کشور وجود دارد، تمرکز و گرایش زیاد بانک‌ها به راه‌اندازی شعب متعدد به ویژه در مراکز شهرها است. این مسئله نیز بر تشدید انباشت اموال مازاد بانک‌ها بی‌تأثیر نبوده است.

وی افزود: در مسئله انباشت اموال مازاد، بانک‌های دولتی، خصوصی و

موسی شهبازی غیائی دبیر کمیسیون اقتصادی هیئت دولت در گفتگو با مسیر اقتصاد عوامل ساختاری و مشکلات حقوقی را از چالش‌های واگذاری اموال مازاد بانکی دانست و بیان کرد: از مهم‌ترین عوامل ساختاری که مانع واگذاری این نوع اموال بانک‌ها شده است، الگوی فعلی کسب‌وکار بانک‌ها است. در واقع نبود چارچوب‌های تقسیم‌بندی شده برای انواع بانک‌ها موجب ورود غیرتخصصی بانک‌ها در همه حوزه‌ها و انباشت دارایی‌ها و اموال مازاد شده است. لذا هنوز تقسیم‌بندی روشنی از کاربرد انواع بانک‌ها در کشور وجود ندارد.

اهتمام ویژه‌ای به معادن

محبی نجم‌آبادی - امیدوار تجریشی



به این پرسش که چرا با وجود اینکه ۵۰ درصد گچ دنیا در ایران است و ۵۰ درصد آن هم در استان سمنان است اما بازار آتچناتی در این حوزه وجود ندارد گفت: یکی از معضلات معادن در ایران بحث آمایش سرزمینی است که در حوزه تولید و توسعه به کار گرفته نمی‌شود.

وی از دستورالعمل‌های یک شبه و خلق الساعه نیز به عنوان مانع توسعه معادن و صنایع نام برد و افزود: متأسفانه حاکمیت شامل دولت‌ها و مجلس‌ها رفتارهای هیجانی از خودش نشان می‌دهند و با دستورالعمل‌های ناگهانی نیز بخش خصوصی را دچار مشکل می‌کنند.

رئیس سابق خانه صنعت معدن و تجارت جوانان استان تهران تصریح کرد: در حال حاضر علت اینکه ماشین آلات معدنی وارد کشور نمی‌شود این است که دو شرکت ماشین آلات سازی معدنی و راهسازی ادعای توان تولید می‌کنند در صورتیکه توان تولید آن‌ها کمتر از نیاز کشور است.

تجریشی با تأکید بر اینکه دولت برای تصویب هر بخشنامه باید از تشکلهای ملی سوال کند افزود: متأسفانه هم مجلس و هم دولت در این زمینه کم کاری کردند. متأسفانه تابستان‌ها برق را قطع می‌کنند و زمستان‌ها گاز را و صادرکنندگان را هم مجبور می‌کنند که با پالیسیکشن داخلی متصل شوند و کار کنند در صورتیکه امکانپذیر نیست.

محبی نجم‌آبادی نماینده مردم سبزوار و داورزن و عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت و گو ضمن تبریک هفته صنعت و معدن، درخصوص انتظارات از رئیس جمهور آینده در حوزه صنایع و معادن اظهار کرد: کشور ما به عنوان یک درصد جمعیت جهان حدود ۷ تا ۸ درصد مواد معدنی جهان را در اختیار دارد که یک فرصت استثنایی است.

وی افزود: متأسفانه استفاده از مواد معدنی به صورت خام و خام فروشی در سال‌های گذشته به شدت رایج بوده در صورتیکه کشور ما شرایط استثنایی و بسیار خوبی دارد و شرکت‌های دانش بنیان به ویژه در سه سال اخیر رشد فزاینده‌ای پیدا کردند.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با بیان اینکه فرآوری و تبدیل محصولات در حوزه معادن می‌تواند ثروت با ارزش افزوده قابل توجهی را برای کشورمان ایجاد کند گفت: یکی از کارهای بزرگی که دولت سیزدهم در سال‌های اخیر انجام داد بحث ژئوفیزیک هوایی و شناسایی پرواز هلی کوپتری است که به صورت خطی اسکن می‌کند و معادن را تا عمق ۲۰۰ متر و ۴۰۰ متر شناسایی و اطلاعات اولیه را آماده می‌کند.

محبی نجم‌آبادی در مصاحبه با رادیو گفت و گو اظهار کرد: ظرفیت و اهمیت معادن به اندازه‌ای است که مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان مجلس یازدهم تأکید فرمودند حوزه معدن و نقشه راه شناسایی و اکتشاف و استخراج باید در دستورکار قرار گیرد.

نماینده مردم سبزوار و داورزن با بیان اینکه هر شغل در معدن ۱۷ شغل غیرمستقیم ایجاد می‌کند تأکید کرد: حوزه معدن یک فرصت استثنایی و ویژه برای اقتصاد کشورمان است و از این رو رئیس جمهور و دولت آینده باید اهتمام ویژه‌ای به این مسیر داشته باشد.

در ادامه برنامه، امیدوار تجریشی رئیس سابق خانه صنعت معدن و تجارت جوانان استان تهران و فعال بخش خصوصی در پاسخ



سامانه خودنویس، مشاوران املاک را حذف نکرده است

ساسانی

دکتر ساسانی مدیر سامانه خودنویس در ارتباط تلفنی با برنامه «صبح و گفتگو» رادیو گفت و گو در مورد راه‌اندازی این سامانه گفت: این سامانه براساس تکلیف قانونی توسط وزارت راه و شهرسازی راه‌اندازی شد و توسعه یافت. هدف سامانه ثبت معاملات املاک و مستقالات کشور (خودنویس) این است که در کنار مشاوران املاک اگر مردم به هر دلیلی تمایلی به مراجعه به آنها برای ثبت املاک خود نداشته‌اند، بتوانند یک قرارداد رسمی ثبت کرده و کد رهگیری دریافت نمایند.

وی یادآور شد: تا پیش از این سامانه مردم ناچار بودند به مشاوران املاک مراجعه کنند یا پشت قرارداد قبلی، قرارداد جدید را بنویسند در حالیکه حالت رسمی نداشت که با این سامانه مشکل مردم حل شد.

مدیر سامانه خودنویس خاطر نشان کرد: مردم همچنان برای پیدا کردن ملک می‌توانند به مشاورین املاک مراجعه کنند و بابت خدماتی که دریافت می‌کنند، وجهی را پرداخت می‌کنند. سامانه خودنویس مشاوران املاک را حذف نکرده بلکه حق الزحمه مشاورانی را که کار هم‌سانی را انجام می‌دهند، اعلام و در قرارداد درج می‌کند. در حال حاضر هم مشاوران املاک و هم کاربران به سامانه دسترسی دارند و طبق تفاهمی که وجود دارد حدود ۲۰ درصد قراردادها را ثبت و حق الزحمه خود را دریافت می‌کنند.

به گفته ساسانی اگر فردی پشت اجاره نامه قبلی، اجاره نامه جدید را می‌نوشت مشمول وام ودیعه نمی‌شد.

همچنین مهندس لطفی دبیر اتحادیه املاک تهران در مصاحبه با رادیو گفت و گو بیان کرد: آیا تمام مشکلات مردم در حوزه مسکن، دادن کمیسیون بود؟ با راه‌اندازی این سامانه عملاً این مبلغ حذف شده است. مشکلات مردم در حوزه مسکن دادن کمیسیون نبوده است. حذف مشاوران املاک تأثیری در کاهش قیمت مسکن ندارد. وی افزود: نگاشتن قرارداد جدید در پشت قرارداد قبلی نافذ است و مشکلی ندارد. اما با این سامانه یک موازی کاری انجام شده است.



درباره کاهش مشارکت سیاسی

مهدی جمشیدی

ایکم]. تجربه مشارکت انتخاباتی مردم ایران در چهار دهه گذشته، روند «خطی» و «یکنواخت» نداشته؛ بلکه همواره «افت و خیز» و «نوسان» داشته است. حتی در دهه شصت نیز «چندین مشارکت متوسط» رخ داده است. پس تلاطم در مشارکت انتخاباتی، به معنی این نیست که از این به بعد، با چنین سطحی از مشارکت روبرو خواهیم بود و به طور قهری، در این موقعیت تشبیه شده قرار گرفته‌ایم. مشارکت سیاسی، گاهی اوج گرفته و گاهی دچار افول شده است و این جایگاهی را نباید برجسته کرد و از آن، بحران مشروعیت سیاسی را نتیجه گرفت. این سیر، مقطعی و موقتی است و امکان گذار از آن وجود دارد. پس واقعیت اجتماعی این است که بخشی از مردم، گاهی در عرصه سیاسی هستند و گاهی نیستند.

دوم]. مشارکت انتخاباتی را باید در چهارچوب انقباض و انبساط «شرایط»، تحلیل کرد، نه به طور مطلق. انقلاب از «دهه تضعیف شده» ای که در آن لیبرال-تکنوکرات‌ها حاکم بودند عبور کرده و در حال گذار به تحول جهانی است. از این رو، دشواری‌های وضع کنونی، مقطعی و موقتی هستند

سوم]. بخشی از جامعه، از «منطقه حکمرانی نظام» خارج شده‌اند و در یک «زیست‌جهان موازی» زندگی می‌کنند که عبارت است از شبکه‌های اجتماعی غربی. ساختار ذهنی اینان، خواهناخواه، بازیچه القاها و تفسیرهایی است که این شبکه‌ها، مولد آنها هستند. ذهنیت این پاره از جامعه، به حال

خویش، رها شده و در واقع، به دست دشمن سپرده شده و روشن است که دشمن نیز، می‌کوشد این بخش را از نظام، جدا کند و گسست سیاسی را رقم بزند. شبکه‌های اجتماعی غربی از ما، یارگیری کرده و میان ما، جدایی واقعی افکنده‌اند؛ چنان که گویا ما یک جامعه نیستیم. علامه طباطبائی در تفسیر میزان می‌گویند: «هم‌مکانی»، تسهیل‌گر «هم‌اعتقادی» است. پس تفاوت در «زیست‌جهان جغرافیایی»، تفاوت در «زیست‌جهان فرهنگی» را به دنبال دارد. ما و آنها، دچار گسستگی مکانی شدیم. اینستاگرام، «وطن دیگر» است و «هویت دیگر» هم می‌آفریند. ما تکه تکه شده‌ایم؛ استعمار با ما چنین کرده است.

چهارم]. در عین حال، نباید غفلت کرد که مسأله بخش عمده غایبان انتخابات، «گلايه معیشتی» است، نه «گسست سیاسی». از این رو، اقتصاد که به سامان شود، به صورت طبیعی، باز خواهند گشت. این بخش از جامعه، قصد معارضة و ضدیت ندارد و نمی‌خواهد رو به سوی دیگری داشته باشد، بلکه فقط، خسته و کلافه و سرخورده شده و نمی‌تواند وضع معیشتی‌اش را تحمل کند. دشواری‌های معیشتی، آنها را بی‌انگیزه و دلسرد کرده است؛ چنان که گمان می‌کنند هر کسی که در قدرت، مستقر شود، تفاوتی در وضع معیشتی آنها رخ نخواهد داد. می‌توان گفت دست کم سی درصد از غایبان انتخابات، چنین درد و دغدغه‌ای دارند. اگر زخم‌های معیشتی اینان برطرف شود و این «سی درصد غایب» به آن «چهل درصد حاضر» بپیوندند، مشارکت به حدود «هفتاد درصد» خواهد رسید که مطلوب است. پس نباید از مسأله، خوانش سیاسی محض داشت و بر طبل «گسست سیاسی» و «شکاف ایدئولوژیک» کوبید و تصور کرد که جامعه خاموش و غایب، از نظام سیاسی، عبور کرده است. اگر مسأله، چیزی غیر این اقتصاد و معیشت می‌بود، به سادگی قابل علاج نمی‌بود، اما مسأله، عمق ندارد و اکنون در سطح است و فقط با معیشت روزمره، گره خورده است. در طول سه سال گذشته، دولت رئیس‌جمهور شهید، از یک سو مشغول مواجهه با خلاها و نقصان‌های بزرگی بوده که دولت تکنوکرات‌ها از خود به‌جا نهاده بود؛ و از سوی دیگر، اهتمام وسیع به گشایش‌های زیرساختی و مبنایی داشته است. از این رو، معیشت روزمره در حاشیه قرار گرفت و مردم، آنچنان که باید احساس نکردند که تحول به زندگی شخصی‌شان رسیده است. اینک باید توان دولت، توزیع شود و زندگی روزمره مردم را نیز پوشش بدهد تا کاهش مشارکت، متوقف شود.



بررسی اخبار جعلی راهکاری برای جلوگیری از انتشار کذب

سعید درویشی

بررسی اخبار جعلی فضای مجازی در صداوسیما؛ راهکاری برای جلوگیری از انتشار کذب

دکتر سعید درویشی مدیرمسئول پایگاه خبری فردارسانه و پژوهشگر فضای رسانه در مصاحبه با برنامه «گفتگوی اجتماعی» رادیو گفت و گو در مورد آسیبهای تبلیغات نامزدهای ریاست جمهوری در فضای مجازی بیان کرد: در فضای انتخابات همواره شایعه وجود داشته که امروز جای خود را به خبر جعلی داده است. شایعه در جامعه شهری ساخته می‌شود اما خبر جعلی در جامعه شبکه‌ای ساخته می‌شود. باید در نظر داشته باشیم که آسیبها چگونه از سطح خیابان به سطح جامعه شبکه‌ای وارد می‌شود و موجب باورپذیر شدن آن می‌شود. وی ادامه داد: در گذشته امکان انتشار عکسی از نامزدهای انتخاباتی وجود نداشت اما امروز از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی این امکان فراهم شده است. سیاست مداران و نامزدها نیز می‌توانند از تمام امکانات و قدرت رسانه برای رسیدن به هدف استفاده کنند.

این پژوهشگر فضای مجازی با بیان اینکه هیچ مورد جعلی در خصوص نامزدها وجود نداشت خاطر نشان کرد: مهمترین آسیب انتخابات، نظرسنجی‌های جعلی و دروغین بود. این مورد هم گناه و هم جرم محسوب می‌شود. چرا که مقام معظم رهبری مردم را به مشارکت حداکثری دعوت کرده بودند اما افرادی که با استفاده از قابلیت‌های رباتهای تلگرام برخلاف نظر ایشان عمل کردند، هم گناه شرعی و هم جرم مرتکب شدند. این اقدامات برای پیروزی نامزد خاصی نبود بلکه برای دعوت مردم به عدم مشارکت شکل گرفت.

درویشی در رادیو گفت و گو با تاکید بر اینکه فیلتر کردن شبکه‌های اجتماعی نتوانسته جلوی انتشار اخبار جعلی را بگیرد تصریح کرد: باید اخبار جعلی که در فضای مجازی انتشار می‌یابد، توسط رادیو و تلویزیون برای مردم نمایش داده شود تا اخبار جعلی را بتوان شناخت. همچنین باید اخبار جعلی را از نامزدها جویا شد تا اینگونه جلوی انتشار اخبار جعلی گرفته شود.

وی همچنین با اشاره به حضور برخی مدیران شبکه‌های مجازی که اخبار جعلی را در خارج کشور منتشر می‌کنند، یادآور شد: به این مدیران نمی‌توان به راحتی دسترسی پیدا کرد. کانال بی بی سی فارسی برخی صحیتهای نامزدها را راستی آزمایی کرده بود که این روند می‌تواند در دستور کار رسانه‌های داخلی قرار بگیرد.

داشتن جامعه‌ای با فرهنگ با مسئولیت‌پذیری وزارتخانه‌ها

مینواصلانی



رئیس اندیشکده زن و خانواده دانشگاه امام حسین (ع) در رادیو گفت و گو با اشاره به پیوسته‌های فرهنگی به عنوان دیگر عامل تحقق الزامات فرهنگی گفت: برای ساخت پروژه‌های صنعتی و اقتصادی باید پیوست فرهنگی را در نظر گرفت. در این پیوست موضوعات مربوط به خانواده و الزامات آسایش آن، کتابخوانی و مراکز هنری در نظر گرفته می‌شود. لذا قوانین خوبی برای ترویج مبنای فرهنگی در کشور وجود دارد که باید در سیاستها مد نظر قرار داده شود و پیوستهای فرهنگی در پروژه‌های بزرگ جدی در نظر گرفته شود.

دکتر مینو اصلانی رئیس اندیشکده زن و خانواده دانشگاه امام حسین (ع) در ارتباط تلفنی با برنامه «صبح و گفتگو» رادیو گفت و گو در مورد چگونگی محقق شدن الزامات فرهنگی بیان کرد: در حکمرانی ابتدا سیاست گذاری فرهنگی صورت می‌گیرد و براساس آن که بستگی به شرایط مختلفی دارد، سیاستها تبدیل به برنامه شده و در مرحله بعد اجرایی می‌شوند.

وی با تاکید بر تولید محتوای آموزشی و فرهنگی در فیلمها و سریالها برای مردم ادامه داد: برخی سیاستهای فرهنگی در قالب برنامه‌های سرگرم کننده به جامعه منتقل می‌شود که جنبه فرهنگ‌سازی دارد. در حوزه آموزشی نیز در بسیاری از مطالب در قالب کتب درسی به دانش آموزان منتقل می‌شود.

اصلانی آموزش نیروی انسانی را از مهمترین الزامات محقق شدن سیاستهای فرهنگی دانست و خاطر نشان کرد: افرادی که در دانشگاه فرهنگیان تحصیل می‌کنند، آموزشهای لازم را می‌بینند و برنامه‌های آموزشی و فرهنگی برای آنها در نظر گرفته می‌شود تا بتوانند سیاستهای فرهنگی مد نظر را به دانش آموزان و دانشجویان منتقل کنند.

وی با بیان اینکه الزامات فرهنگی در قانون دیده شده اظهار کرد: برای آراش روانی جامعه به الزامات فرهنگی نیاز داریم. ناظرین باید بر اجرای سیاستهای فرهنگی نظارت کنند. این سیاستها مربوط به همه وزارتخانه هاست و در سیاستهای فرهنگی نقش دارند و اگر هر

سازمان و نهادی به نقش خود در این حوزه عمل کند، جامعه‌ای آرام با مطلوبیت فرهنگی خواهیم داشت و رشد کودکان و جوانان در فضایی طبیعی و مبتنی بر فطرت و آراش خواهد بود.



سرویس سونوگرافی از راه دور مبتنی بر فناوری 5G رونمایی شد

سرویس سونوگرافی از راه دور بر بستر نسل پنجم ارتباطی با امکان انتقال تصاویر و داده‌های پزشکی با سرعت و دقت بالا در نمایشگاه الکامپ توسط شرکت همراه اول و با همکاری شرکت دانش بنیان نبض آوا، رونمایی شد.

این فناوری نوآورانه، قادر است با انتقال پرسرعت داده‌های تصویربرداری سونوگرافی، بهبود چشمگیری در سرعت ارسال تصاویر سونوگرافی ارائه دهد.

این رونمایی نه تنها از جنبه فنی بلکه از منظر پزشکی از راه دور نیز حائز اهمیت است زیرا به پزشکان این امکان را می‌دهد که بدون نیاز به حضور فیزیکی، با کیفیت بیشتر و در زمان کوتاه‌تری بیماران را معاینه کرده و تشخیص خود را منتقل کنند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | طه اهووی | گرافیکست و صفحه آرا | سارا کولیوند
روابط عمومی | جهانگیر توسلی | ناظر هنری | محمدرضا مهدیانی
تلفن | ۰۲۱۸۱۶۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۱۲۴۱۳۴ | آگهی‌ها | ۰۲۱۸۱۶۵۲۵۱۸
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ | صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



خودنویس
سامانه ثبت قراردادهای معاملات
املاک و مستغلات کشور



سامانه خودنویس، مشاوران املاک را حذف نکرده است

مردم همچنان برای پیدا کردن ملک می‌توانند به مشاورین املاک مراجعه کنند و بابت خدماتی که دریافت می‌کنند، وجهی را پرداخت می‌کنند.

رنج در اسارت شاخه‌ای از امید است

رنج در خاطرات اسارت ما را به این مطلب می‌رساند که هر کس در بیان خاطرات آن معنایی که از رنج داشته را بیان می‌کند در مرور کتاب‌های خاطرات اسارت اردوگاهی به این باور رسیدیم که «رنج شاخه‌ای از امید است».

۱

۷

همه چیز فدای فوتبال فاسد

فریدون حسن

در روزهایی که شاهد افزایش چندین میلیاردی قراردادهای فوتبالی‌ها هستیم و به‌وضوح می‌بینیم که قراردادهای ۱۰، ۱۵ میلیاردی فصل گذشته بی‌خاصیت‌ترین ورزشکاران کشور که تنها هنرنمایی‌شان شکست دادن یکدیگر و فساد مالی و بی‌اخلاقی‌های دیگر است به مبلغ ۴۰ تا ۶۰ میلیارد افزایش پیدا کرده، شنیدن درددل‌های بهترین بازیکن فوتبال آسیا بسیار جالب توجه است.

سال‌هاست که فدراسیون فوتبال به افتخارات کسب شده در فوتسال (آقایان و بانوان) و فوتبال ساحلی می‌نزد. سال‌هاست که از این افتخارات بین‌المللی برای خودش ستاره درست می‌کند، اما دریغ از ذره‌ای توجه و رسیدگی. سال‌هاست که همه خوب می‌دانیم فوتسال و فوتبال ساحلی بچه‌های سرراهی فدراسیون هستند. این تیم‌ها موظفند بزنند و قهرمان شوند، اما توقع دریافت پاداش نداشته باشند، چون تمام پول‌ها فقط و فقط برای بیت‌المال خوران فاسد فوتبال باشگاهی است.

در داور است که بینیم بازیکنان آماتور فوتبال به اسم حرفه‌ای بودن از قراردادهای دلاری حرف بزنند، اما برترین بازیکن فوتسال آسیا همچنان چشم به راه دریافت پاداشی باشد که فدراسیون بعد از کسب عنوان قهرمانی در آسیا قولش را داده بود. در داور است که قراردادهای چندده میلیاردی فوتبالی‌ها با دور زدن و نیشخند زدن به قانون ثبت شده، اما سرمربی تیم ملی فوتسال در آستانه حضور در جام جهانی فوتسال همچنان منتظر فدراسیون باشد تا شاید روزی تصمیم بگیرد قراردادی با او ثبت کند! تیم ملی فوتسال باید برود جام جهانی، جایی کاملاً متفاوت با جام جهانی فوتبال، یعنی هر چقدر در جام جهانی فوتبال تحقیر شده، می‌شویم و احتمال قریب به یقین خواهیم شد، اینجا جایی است برای افتخار آفرینی، چون جهان روی فوتسال ایران حساب جداگانه‌ای باز می‌کند. چون ستاره‌های فوتسال ایران برای جهانیان شناخته شده هستند، چون فوتسال ایران برخلاف فوتبالتش، سومی جام جهانی را در کارنامه دارد، اما ... همین، اما کار را خراب کرده، در حالی که جهان فوتسال و



فوتبال ساحلی ایران را تحسین می‌کند، فدراسیون فوتبال تمام هم و غم خود را گذاشته پای فوتبال عزیز کرده، بیت‌المال خور و فاسدش که هیچ کس یادش نمی‌آید آخرین بار کی و کجا برای ایران افتخار آفرین بوده است.

فدراسیون تنها کاری که برای فوتسال و فوتبال ساحلی کرده، فقط و فقط این بوده که حاصل زحمات آن‌ها را به پای خودش بنویسد، از قهرمانی آن‌ها برای خودش ستاره بسازد و پول را سرازیر جیب شکست خورده‌های فوتبال کند.

امروز بیشتر از هر زمان دیگری می‌توان تأسف خورد. تأسف بابت اینکه پول مردم و بیت‌المال حتی به اسم خصوصی شدن چگونه میلیاردی به جیب فوتبال فاسد سرازیر می‌شود و فدراسیون فوتبال که البته خودش کم فساد و آدم فاسد هم ندارد در سکوت محض فقط نگاه می‌کند. امروز خیرهای قراردادهای ۴۰ و ۶۰ میلیاردی فوتبالی‌ها بیشتر از همیشه خنجر به جان ورزش ایران و قهرمانان افتخار آفرین و مدال آور آن می‌زند، چون مثل همیشه قرار نیست هیچ برخوردی صورت گیرد.

واقعیت این است که فوتسال و فوتبال ساحلی باید بروند و برنده شوند. تیم ملی فوتسال بروید جام جهانی و افتخار آفرینی کنید، آن هم با بازیکنانی که هنوز پاداش قهرمانی آسیا را نگرفته‌اند و با مربی که هنوز قرارداد ندارد. تیم ملی فوتسال بانوان هم باید بروند و برای سومین بار قهرمان آسیا شوند، همان تیمی که بعد از دو قهرمانی و نگرفتن پاداش تعطیل شده، چون برای فدراسیون، فوتبال فاسد مهم‌تر بود و فوتبال ساحلی هم باید بروند و دنیا را شگفت‌زده کنند بدون اینکه توقع توجه داشته باشند. چرا! چون همه چیز باید فدای فوتبال فاسد شود.

ایران، قهرمان جام جهانی تکواندو شد



تیم ملی تکواندو کشورمان با برتری مقابل میزبان در فینال جام جهانی کره جنوبی مقتدرانه روی سکوی قهرمانی ایستاد.

این مسابقات با حضور ۵ تیم در چانچئون کره جنوبی برگزار شد و تیم مردان ایران با ترکیب مهدی عابدینی، محمدحسین یزدانی، علی خوش روش و ابوالفضل زندی در رقابت‌ها شرکت کرد.

تیم ایران در دور نیمه نهایی در دو راند برابر تیم ساحل عاج به برتری رسید و سپس در مصاف پایانی برابر تیم کره جنوبی در دو راند به برتری رسید و قهرمان شد.

تیم بانوان ایران هم با ترکیب ملیکا میرحسینی، یلدا ولی نژاد، ساغر مرادی و مهلا مؤمن زاده در این رقابت‌ها شرکت کرده است و فردا در نخستین مسابقه با کره جنوبی میزبان روبرو خواهد شد.

لیگ باید با VAR آغاز شود



رئیس فدراسیون فوتبال:

مقرر شد پرداخت لازم اولیه برای خرید تجهیزات VAR با قید زمانی آنی انجام شود تا با توجه به نزدیک شدن به زمان شروع فصل جدید، تقویم مربوطه برای آماده‌سازی ورزشگاه‌ها دچار اشکال نشود.

روشن است هرگونه تغییر در پرداخت اولیه، موجب تأخیر در رسیدن تجهیزات مربوطه برای نصب در ورزشگاه‌ها و آغاز لیگ خواهد شد و امیدوارم از آنجایی که دستورات مربوطه از قبل صادر شده، روند اجرایی جهت پرداخت هم به سرعت طی شود.

فدراسیون فوتبال بر ضرورت آغاز لیگ جدید با VAR تأکید دارد و این موضوع که مورد توجه ویژه هواداران فوتبال است می‌بایست به انجام برسد.

بی‌اعتمادی فنی به دستیاران ایرانی

دنیا حیدری

دو بازی سنگین را به فاصله کمتر از ۲۴ ساعت انجام دادیم و سه نبرد سنگین در ۶۰ ساعت باعث شد بازیکنان به لحاظ بدنی انرژی لازم را برای دیدار با فرانسه نداشته باشند».

بی‌اعتمادی فنی پانز

البته تمام موارد یاد شده توسط پیمان اکبری در طول لیگ ملتها کاملاً مشهود بود، اما عدم محول کردن وظایف فنی به دستیاران ایرانی چیزی نبود که بتوان از شرایط تیم و نحوه بازی آن را دریافت. مسئله‌ای که اکبری بعد از پایان ناکام این دوره از رقابت‌های لیگ ملتها والیبال بدان اشاره می‌کند: «نمی‌توان همه تقصیرها را بر گردن پانز انداخت. خیلی مسائل دست به دست هم داد تا در این دوره از لیگ ملتها عملکرد مطلوبی نداشته باشیم. مثلاً اینکه شناخت او از بازیکنانش کم بود. با وجود این، او با دستیار برزیلی خود پرتغالی صحبت می‌کرد و این ارتباط بین کادرفنی را ضعیف کرده بود. شاید او بر این باور بود که کادرفنی ایرانی نمی‌تواند اطلاعات فنی به او بدهد، اما بدون شک وقتی سرمربی صحبت می‌کند همه باید در چارچوب نظراتش صحبت کنیم، اتفاقی که در تیم ملی رخ نمی‌داد. از سوی دیگر پانز هیچ وظیفه فنی خاصی را به کادرفنی ایرانی خود محول نکرده بود، درحالی که ما به تیم ملی کشورمان تعصب داشتیم، به همین دلیل همه جوهره در خدمت او و تیم بودیم. با وجود این مشکل خاصی رخ نداد، اما سطح توقعی که شخصاً از پانز و ملی‌پوشان داشتیم برآورده نشد و خوب پیش نرفت تا در نهایت تصمیم به برکناری او گرفته شد. تصمیمی که دلیل آن تنها نتایج ضعیف تیم در دو هفته ابتدایی لیگ ملتها بود و بس».

فرصتی که سوخت شد

افشاگری‌های پیمان اکبری در خصوص عدم اعتماد فنی پانز به دستیاران ایرانی می‌تواند این ابهام را ایجاد کند که شاید همین مسئله باعث کنار گذاشتن سرمربی برزیلی-فرانسوی شده است، اما اکبری تأکید دارد هیچ کدام از عوامل همراه تیم در اتخاذ این تصمیم دخالتی نداشتند و فدراسیون تصمیم گرفت او را با توجه به نتایج ضعیفی که کسب کرده بود، تغییر دهد.



تنها راه چاره

چه بسا اگر پانز با دستیاران ایرانی خود به مشورت می‌نشست، نه والیبال ایران با حضور در رده پانزدهم به کار خود در لیگ ملتها پایان می‌داد و نه او ناچار بود نیمه‌چمن‌هایش را برای رفتن از ایران ببندد. اما آنچه که امروز حائز اهمیت است توجه به دلایل ناکامی ایران در لیگ ملتها و گام برداشتن در جهت برطرف کردن آن است. والیبال ایران همانطور که پیمان اکبری هم بدان اشاره دارد باید راه‌های را در پیش بگیرد. باید برخلاف سال‌های اخیر با برنامه‌ریزی پیش‌برود تا علاوه بر جبران این ناکامی تلخ در مسیر پیشرفت قرار گیرد.

به جای دنبال کردن عیوب و اشکالات دیگران
مراقب رفتار و اعمال خودت باش ...

(سوره مائده آیه ۵۵)

